

نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی افغانستان

نگینه فیضی؛ عضو آکادمی رهبری زنان

تاریخ: 1401/7/24

چکیده

زنان کارآفرین با توجه به نقشی که در جوامع ایفا می‌کنند، می‌توانند به‌عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه کشور محسوب شوند. میزان مشارکت زنان کارآفرین در فعالیتهای اقتصادی زمینه را برای توسعه کشور فراهم می‌کند. بنابراین ایجاد زمینه‌های خود آگاهی هدایت توانائی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و برنامه ریزی جهت جلب مشارکت آنان در فعالیتهای گوناگون الزامی است. زنان نقشی به مراتب بیشتر از مردان در اقتصاد خانوار و فعالیتهای درون منزل به عهده دارند و موجب رونق اقتصادی جامعه هستند. هنوز زنان جایگاه خود را در بیشتر کشورهای جهان به ویژه کشورهای در عقب مانده مانند افغانستان به‌عنوان شهروندان فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده‌اند و کماکان فعالیتهای زنان در محاسبات اقتصادی مد نظر قرار نمی‌گیرد و از آنان به‌عنوان نیروی کار نامرئی یاد می‌شود. تخمین بسیار مایوس کننده تعداد زنان فعال و برآورد بسیار کم میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی تأییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان و زمینه ساز توسعه کشور ما است.

کلید واژه‌گان: زنان، توسعه، کارآفرین، رشد اقتصادی.

مقدمه

امروزه توجه به مشارکت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اقتصادی در هر کشور به شمار میرود، بلکه ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه پایدار نیز محسوب می شود. از این رو یکی از شاخص های درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند. با توجه به پتانسیل های موجود در زنان و نیز توان بالقوه آنان می توان در جهت انجام بخشی از اهداف و برنامه های توسعه از مشارکت آنان بهره جست. مشارکت زنان به معنی دخالت همه جانبه آنان از هم فکری، مشاوره، همکاری، تصمیم گیری و اجرایی در امور اقتصادی است که امکان میدهد تا زمینه توسعه جوامع شود. یکی از راهکارهای توسعه پایدار اقتصادی کشور توسعه کارآفرینی زنان است. زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی کشورها نقشی کلیدی دارند و به عنوان عناصر اصلی در تسریع توسعه کشورهای در حال توسعه و در تجدید حیات و استمرار توسعه کشورهای صنعتی مورد توجه بوده اند. هدف اصلی از اجرای برنامه های مختلف همچون افزایش نقش زنان کارآفرین در کشور، رسیدن به توسعه است و یکی از اهداف کلان توسعه نیز کاهش بیکاری، ایجاد و افزایش فرصتهای شغلی است. بیکاری و کمبود فرصتهای شغلی، نتیجه نابرابری بین عرضه و تقاضای نیروی کار و یا بازار کار در کشورها می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که افزایش نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی، راهکاری جدید در نظریه های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت سازی در افغانستان در راستای دستیابی به توسعه پایدار است. به طوری که رشد و توسعه بخش کشاورزی، زمینه های لازم برای رشد و توسعه سایر بخشها را فراهم می سازد و بدون آن، عوامل و نهاده های لازم برای فعالیت سایر بخش های اقتصادی فراهم نمی شود. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت اشتغال و نیروی انسانی در توسعه کشور و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی با تکیه بر کاهش بیکاری و اشتغال زایی، افزایش سرمایه گذاری در زمینه کارآفرینی زنان دارای جایگاهی ویژه است.

بیان مسأله

زنان کارآفرین زمینه ساز ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد افغانستان و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد اقتصادی به شمار میروند. با اینکه ضرورت الزام اقتصادی اشتغال و نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت جوامع بشری مطرح بوده است، لیکن در کشور ما بین زنان و مردان تعادل مطلوب و قابل قبولی در زمینه فعالیت های مختلف ایجاد نشده است و این امر به علل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور از گذشته تاکنون مربوط میشود. اقتصاد دانان، کارآفرینان را موتور رشد و توسعه اقتصادی جامعه میدانند. با توجه به اهمیت کارآفرینی، بررسی وضعیت اقتصادی گویای این مطلب است که توسعه و رشد کارآفرینی در امور افغانستان، تنها راه بهبود مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه و پیشگیری از تسریع شدن آن در آینده میباشد. بدین منظور برای رسیدن به توسعه ملی در کارآفرینی، زیرساختی مناسب ضروری است. لذا کارآفرینی میتواند از یک طرف به عنوان راهکاری جدید در نظریه های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت سازی در مناطق افغانستان در راستای دستیابی به توسعه پایدار باشد که زمینه را برای فعالیت ها و تنوع بخشی به درآمد در تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی، افزایش زیرساختهای اجتماعی برای انجام توأم تحقیق و توسعه، افزایش کیفیت نیروی انسانی، کیفیت مدیریتی، توسعه آموزش و توسعه تکنولوژی فراهم سازد. در واقع مشارکت زنان همراه مردان در تمامی مسائل نشان پذیرش برابری ارزش انسانی همه آحاد جامعه میباشد که با همدیگر در امور مختلف همکاری نموده و از طریق آن دست به تحول میزنند و تغییراتی مثبت را به وجود می آورند که برای آینده کل جامعه می تواند مفید و مؤثر افتد. یکی از اهداف کلان توسعه نیز کاهش بیکاری، ایجاد و افزایش فرصتهای شغلی است. بیکاری و کمبود فرصتهای شغلی، نتیجه نابرابری بین عرضه و تقاضای نیروی کار و یا بازار کار میباشد. متأسفانه علیرغم فعالیت بالای زنان در کشاورزی سهم آنان نادیده گرفته شده و کار آنان ارزش مالی مستقلی ندارد و به عنوان یک عامل نامرئی محسوب میشوند.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می رسد یکی از شاخص های درجه توسعه یافتگی کشور بستگی به میزان مشارکت زنان در اقتصاد آن کشور دارد.

فرضیه فرعی

1. در جامعه ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیتهای اقتصادی بیشتر باشد، ممکن رفاه اجتماعی و درآمد و توزیع نیز بیشتر باشد.
2. زنان کارآفرین ممکن بتواند از طریق ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در توسعه افغانستان داشته باشد.
3. فرض بر این است که فعالیت های اقتصادی زنان، 25 تا 35 درصد کل فعالیتهای اقتصادی جهان را تشکیل میدهد.
4. یکی از مهمترین موانع توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان کمبود سرمایه است.
5. زنان کارآفرین ممکن به دلایل متعدد از جمله بیکاری و کاهش دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی، وارد کارآفرینی می شوند.
6. ممکن زنان جایگاه خود را در افغانستان به عنوان شهروندان فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی به دست نیآورده باشند.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

میزان مشارکت زنان کارآفرین افغانستان در بخش های اقتصادی کشور چگونه است؟

سوالات فرعی تحقیق

1. آیا با مشارکت زنان در بخش های اقتصادی کشور میتوان به توسعه رسید؟
2. راهکار های رسیدن به توسعه ملی چیست؟
3. کلید موفقیت یک جامعه چیست؟
4. آیا مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت های اقتصادی با رفاه اجتماعی و درآمد و توزیع رابطه مستقیم دارد؟

اهداف تحقیق

هدف کلی

بررسی نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی افغانستان در سالهای 1380 الی 1400

اهداف جزئی یا اختصاصی

1. افزایش زنان کارآفرین در کشور و رسیدن به توسعه
2. کاهش بیکاری، ایجاد و افزایش فرصتهای شغلی
3. راهکاری جدید در نظریه های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت سازی در افغانستان در راستای دستیابی به توسعه پایدار.

پیشینه تحقیق

در زمینه نقش کارآفرینی زنان تحقیقات زیادی انجام گرفته است و هر کدام از دیدگاه ها و چشم اندازهای نظری متفاوت این موضوع را بررسی کرده اند. بخشی از این تحقیقات به بررسی موانع کارآفرینی، بخشی دیگر نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی افغانستان را مطالعه کرده ایم.

روش تحقیق

روش انجام این تحقیق توصیفی- تحلیلی است که در آن برای جمع آوری اطلاعات مربوط به مسأله تحقیق از پرسشنامه، دادههای آماری و اسناد و مدارک موجود در سازمانها و کتابخانه ها استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روشهای آمار توصیفی استنباطی و به صورت مقایسه ای است و برای تعیین نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی افغانستان از روش همبستگی استفاده گردید.

هدف: نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی افغانستان

یافته های تحقیق

زنان کارآفرین زمینه اشتغال زائی و توسعه اقتصادی نواحی افغانستان را فراهم میکنند و در یک اقتصاد رو به رشد و پویا نمیتوان هیچگونه محدودیتی برای توسعه اقتصادی بدون توجه به اشتغال، درآمد و توزیع، سرمایهگذاری، تسهیلات، تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی

طولانیمدت در نظر گرفت. بخش عمده ای از توسعه افغانستان در حوزه فعالیت اقتصاد زنان کارآفرین اتفاق میافتد. رشد و توسعه اقتصادی روستا بدون توجه به اجزای آن امکان پذیر نیست و توزیع اشتغال بین بخش های اصلی فعالیت های اقتصادی تابع پارامتر اشتغال، درآمد و توزیع، سرمایهگذاری، تسهیلات، تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت هستند که در ادامه به بررسی نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی دهستان خرمروند پرداخته میشود.

نتیجه گیری: افراد کارآفرین به عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده و موجب بهره‌مندی و توسعه جوامع و کشور میشوند. فعالیت زنان افغانستان به عنوان مولد تولید و نیروی کار همواره یکی از مباحث مورد توجه در زمینه توسعه اقتصادی جوامع افغانستان به شمار میرود. بدیهی است حضور زنان در کنار مردان و کار آنان در انجام امور خانه و خانواده بر کسی پوشیده نیست و به این ترتیب می توان گفت که تاریخ اشتغال زنان افغانستان از آغاز زندگی اجتماعی انسان بر روی زمین بوده است. یکی از عوامل بسیار مهم در سنجش موقعیت زنان افغانستان در بخشهای اقتصادی، توان اشتغالی آنها بخش است. در روند تولیدات کشاورزی در جامعه افغانستان، زنان افغانستان به عنوان عامل انسانی پیوسته نقشی تعیین کننده دارند. این نقش با توجه به نوع فعالیت (زراعی، صنایع دستی و...) به شکل نیروی فکری و ذوقی و به صورت نیروی بدنی در ساخت و شکل گیری فرآورده های گوناگون این رشته نمایان می شود. دستیابی به توسعه واقعی است. بر این اساس توسعه کارآفرینی زنان به عنوان هسته پایه ای و کلیدی در اقتصاد ملی، نیازمند داشتن برنامه راهبردی است. براساس تحلیل های نظریه ای، به توسعه کار آفرینی موفق و کارآفرین در افغانستان بایستی به عنوان سرمایه های انسانی عظیم نگریده شود، زیرا آنها به عنوان نیروهای خلاق و نوآور و متفکر در زمینه فعالیتی خود می توانند تحولی در زندگی و حیات اجتماعی و اقتصادی مناطق افغانستان ایجاد کنند و مشارکت اقتصادی زنان کلید موفقیت هر اقدامی است که به منظور نیل به بهبود وضعیت جامعه و تسهیل توسعه پایدار صورت می گیرد؛ زیرا همان طور که می دانیم امروزه برای برنامه ریزان تکیه بر الگوهای اقتصادی توسعه درون زا و خودیار امری لازم و ضروری می باشد، زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اقتصادی اجرا شود تمام افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار میگیرند تا هر کدام نظر اصلاحی برای ایجاد بهبود در وضعیت جامعه بدهند. بدین ترتیب توسعه پایدار با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود شرایط کیفی زندگی، به عنوان قالب مناسبی برای تعیین نحوه بهره برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان، اجتماع و طبیعت محسوب میشود.

پیشنهادات

* تدوین سند توسعه اشتغال و کارآفرینی زنان در بخشهای مختلف اقتصادی منطقه مورد مطالعه.

* تشکیل نهادهای مستقیم مرتبط با کارآفرینی اقتصادی منطقه مورد مطالعه.

* فراهم سازی خدمات ویژه ای در فراهم ساختن منابع مالی برای زنان افغانستان کارآفرین و بیمه

سرمایه وتولیدات آنان به منظور رشد در شاخص های فروش، سود و بازار زنان افغانستان، زمینه

توسعه خوداشتغالی آنان را فراهم سازند.

* توسعه زیر ساختهای اقتصادی و توسعه کارآفرینی و فراهم آوردن امکان دسترسی به سرمایه به

خصوص سرمایه های مخاطره پذیر.

* فراهم نمودن امکانات آموزشی لازم در ابعاد اقتصادی برای زنان افغانستان در راستای دستیابی به

توسعه پایدار

منابع

- 1- احمدپورداریانی، محمود، مقیمی، سیدمحمد (1385) مبانی کارآفرینی. تهران: فرا اندیش.
- 2- افتخاری رکن الدین، عبدالرضا (1384) تئوریه‌ها و نظریات برنامه‌ریزی توسعه افغانستان، گروه جغرافیا و سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس خباززاده، نسیم (1390) جایگاه زنان افغانستان و موانع مشارکت آنها در فرایند توسعه، دهیاری‌ها، شماره 6.
- 3- بدری، سید علی- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، (1382) ارزیابی پایداری مفهوم و روش، تحقیقات جغرافیایی، شماره 69.
- 4- جمهوری، خدیجه بوزر، رومیانی، احمد، اسماعیلی، آسیه (1393) بررسی عوامل مؤثر بر رشد کارآفرینی در تقویت جوامع افغانستان در راستای توسعه پایدار، همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار افغانستان در برنامه ششم توسعه کشور دانشگاه تهران.
- 5- حسینی، طیبه، لشگرآرا، فرهاد، 1393 شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی در تعاونی‌های زنان افغانستان استان فارس فصلنامه تحقیق‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال هفتم، شماره 2.
- 6- رضوانی، محمدرضا (1383) مقدم‌های بر برنامه‌ریزی توسعه افغانستان در ایران تهران انتشارات نشر قومس.
- 7- عمادی محمدحسین (1377) تسریع روند توسعه افغانستان از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در تحقیق. فصلنامه روستا و توسعه، سال 2، شماره 4.
- 8- Chamhuri, S (1996). Rural Development in jomo K. S. and Ng. Siew Kiat (eds), Malaysia's.
- 9- Laukkanen Mauri (2003). "Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university based business", Journal of Small Business and Enterprise Development, Volume 10,